

این فایل از کانال معلم یار ششم دانلود شده است.
برای حمایت از ما و دریافت نمونه سوالات با پاسخنامه بیشتر
در تلگرام آی دی زیر را جست و جو کنید

معلم یار ششم

نمونه سوال با پاسخنامه

درسنامه

فیلم های آموزشی

فیلم حل تمرین کتاب درسی

گام به گام

جزوه

برای دریافت مطالب کافی عضو کانال معلم یار ششم

به آدرس:

@MoallemYarIR6

بشید

ورود به کانال اصلی لمس کنید

در صورت قطع کله اینترنت کشور!

دوباره برمیگردم به سایت معلم یار و مطالب جدید و پایه به پایه تو سایت میفرستم



WwW.MoallemYar.iR



WwW.6Paye.iR

درسنامه آموزشی فارسی کلاس ششم

درس هشتم: دریاقلی با پاسخ

در تاریخ، انسان‌های بسیاری بوده اند که همه‌ی توان و جان خود را برای رسیدن به هدف خویش فدا کرده اند و گاهی نجات مردمی یا آینده‌ی ملّتی به هوشیاری و فداکاری و تصمیم بهنگام و جان فشانی به موقعیت نفر یا جمعی محدود، وابسته می‌شود. در همه‌ی جوامع بشری، فداکاری چنین انسان‌هایی را ارج می‌نهند و تلاش می‌کنند خاطره‌ی آنها را در تاریخ و ادبیات و آثار هنری خود حفظ کنند.

در داستان‌های کهن ایرانی، آرش، دلاور مردی بود که وقتی قرار شد کمانداری ایرانی، تیری رها کند و هر جا که تیر فرود آمد، مرز ایران باشد، دلیرانه بر قلّه‌ی دماوند برآمد و تیری در چلّه‌ی کمان نهاد و با پرتاب کردن آن، سرزمین ایران را از بیگانگان رهایی بخشید و جان خود را در این راه فدا کرد. خاطره‌ی این جان فشانی در راه پاسداری از میهن، هنوز در یادها زنده است. این سرزمین در هر روزگاری، پهلوانان و نام‌آوران بی شماری را در خود پروراند است.

شهید «دریا قلی سورانی» یکی از دلاور مردان دوران دفاع مقدس بود که در نخستین ماه‌های جنگ تحمیلی با فداکاری شگفت‌انگیز خود، مانع سقوط شهر آبادان شد. شغل دریاقلی، اوراق فروشی بود. او در آن هنگام به همراه فرزند خردسال خود در گورستانی از اتومبیل‌های فرسوده در «کوی ذولفقاری» در حاشیه‌ی آبادان زندگی می‌کرد. در یک شب تاریک، ناگهان متوجه شد که سربازان دشمن بعضی به صورتی غافلگیرکننده از رودخانه‌ی بهمن شیر گذشته اند و می‌خواهند شهر محاصره شده‌ی آبادان را به اشغال کامل خود در بیاورند. دریاقلی، فوراً بی‌سر و صدا سوار بر دوچرخه شد و به راه افتاد.

دریاقلی در آن شب پاییزی نهم آبان ماه 1359 با همه‌ی توان و قدرت، رکاب می‌زد. انگار کسی در گوشش می‌گفت: «دریاقلی رکاب بزن، همه چیز به جوانمردی تو وابسته است. اگر کوتاهی کنی، همه‌ی شهر و دیار نابود خواهد شد.

دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو چشم انتظار همت تو، دین و میهن است

دریا قلی رکاب بزن و با کمک گرفتن از حضرت علی (ع) مصمم‌تر شو. دین و میهن منتظر اراده‌ی قوی توست (اگر سستی کنی، دین و میهن ضربه خواهند دید).

فردا اگر درنگ کنی، گوشه‌های شهر میدان جنگ تن به تن وتانگ باتن است

اگر مکث کنی و دیر برسی، فردا کوچه‌های شهر، میدان جنگ تن به تن (فرد به فرد) و تانک با تن (تانک با فرد) می‌شود.

از راه اگر بمانی و روشن شود هوا تکلیف شهر خاطره‌های تو، روشن است

اگر در راه توقف کنی و هوا روشن شود، شهر خاطره‌های تو نابود می‌شود.

دریاقلی! به وسعت دریاست نام تو تاریخ در تلفظ نام تو الکن است

دریاقلی نام تو به گستردگی و بزرگی دریاست. نام تو آنقدر بزرگ است که تاریخ هم هنگام گفتن نام تو زبانش لکنت دارد.

اما دریاقلی، همچو دریایی خروشان بود، با تمام وجود تلاش میکرد از میان گشتی های دشمن و آتش خمپاره ها بگذرد و زودتر از سربازان بعثی، خود را به شهر برساند.

او توانست، کوی ذولفقاری تا شهر آبادان را در کوتاه ترین زمان، رکاب بزند و خود را به سرعت به شهر برساند و با فریاد هایش، مردم و مدافعان شهر را از نفوذ دشمن به کار آید به مقابله با دشمن پرداختند و توانستند در نبردی نابرابر، که در تاریخ دفاع مقدس به نام «عملیات کوی ذولفقاری» معروف است، نفوذ دشمن را به آبادان ناکام بگذارند و او را با تلفات بسیار و شکستی سخت به عقب برانند.

دریاقلی در همین نبرد به شدت زخمی شد و در راه انتقال به پشت جبهه به شهادت رسید.

مزار این شهید دلاور در بهشت زهرا(س) در تهران قرار دارد.

بی شک اگر دریاقلی در آن شب سرنوشت ساز، دچار ترس و تردید می شد و اگر تنها به نجات خود و خانواده اش می اندیشید یا اگر اندکی کوتاهی می کرد و نمی توانست به موقع خود را به شهر برساند، خدا می دانست چه اتفاقات ناگواری می افتاد!

محمدرضا ترکی

درک مطلب (صفحه 60 کتاب درسی)

- 1- منظور از مصراع «چشم انتظار همت تو، دین و میهن است» چیست؟
دین و میهن منتظر اراده ی قوی توست. اگر سستی کنی، دین و میهن ضربه و صدمه خواهند دید.
- 2- به نظر شما میان کار آرش با دریاقلی چه شباهتی هست؟ هردو نفر جان خود برای بیرون راندن دشمن از میهن فدا کردند
- 3- چرا دریاقلی توانست چنان کار بزرگی انجام دهد؟
چون دریا قلی با دیدگاه وسیعی که داشت به جای فکر کردن به نجات خود و خانواده اش، نجات میهن و وطن که خانه و مادر همه ی ماست را انتخاب کرد.
- 4- اگر به جای دریاقلی بودید، چگونه رزمندگان را از وجود دشمن آگاه می کردید؟ به نظر من دریا قلی بهترین تصمیم را گرفته است و من هم در آن شرایط همان کار را می کردم.

دانش زبانی (صفحه 61 کتاب درسی)

- توجه به نشانه های نگارشی به خواندن بهتر و درک معنی و مفهوم متن، کمک می کند.
- منظور از نشانه های نگارشی به کاربردن علامت ها و نشانه هایی است که خواندن و در نتیجه، فهم مطالب را آسان می کند.
- چند نمونه از نشانه های پرکاربرد عبارت است از:
- 1 نقطه (.) : علامتی است که توقف در خواندن را نشان می دهد و در پایان جمله می آید.

2 ویرگول یا درنگ نما (،) : نشانه ای برای درنگ کوتاه است که میان عبارات ها یا جمله ها و برای جدا کردن کلمه یا عبارت توضیحی یا جدا کردن اسم‌های اشخاص و ... به کار می‌رود.

- 3 دو نقطه (:): پیش از نقل قول مستقیم، هنگام توضیح دادن، شمردن اجزای یک چیز و هنگام معنی کردن کلمه به کار می‌رود.
- 4 علامت سؤال (?): در پایان جمله‌های پرسشی یا برای نشان دادن شک و تردید یا ریشخند و ... به کار می‌رود.
- 5 نشانه‌ی بیان عاطفه یا تعجب (!): در پایان جملات تعجبی و جمله‌هایی به کار می‌رود که یکی از حالات عاطفی مثل آفرین، تأکید، افسوس، آرزو، دعا، ندا و ... در جمله باشد.

کارگاه درس پژوهی (صفحه 61 کتاب درسی)

- 1- داستانی از شهدای حماسه ساز دفاع مقدس انتخاب کنید و در گروه بخوانید و درباره‌ی عناصر و ویژگی‌های آن گفت و گو کنید.
- 2- داستانی در مورد عشق به میهن بیابید و در کلاس تعریف کنید.

بخوان و بیندیش

تندگویان

جنگ در مناطق جنوبی و غربی میهن عزیز ما تازه آغاز شده بود. در یکی از جبهه‌ها، نیروهای دشمن در حدود چهل پنجاه نفر از هموطنان ما را به اسارت گرفته بودند. وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران نیز در میان این اسیران بود. محمدجواد تندگویان در خرداد ماه سال 1329 در جنوب شهر تهران به دنیا آمد. محیط خانه، او را از همان دوران کودکی با اسلام و قرآن و درس محبت به خاندان پیامبر آشنا کرد. زینت خانه‌شان کتاب بود. پدرش کتاب‌ها را با صدای بلند می‌خواند و او آنچه را می‌شنید در حافظه‌ی خود، نگه می‌داشت و برای دوستانش بازگو می‌کرد. تندگویان در دوران تحصیل، دانش آموزی جدی و ساعی بود و بیشتر خرج تحصیل خود را از راه کار کردن تأمین می‌کرد. یکی از اقدامات مردمی برای رشد و گسترش فرهنگ اسلامی در آن سال‌ها، تأسیس هیئت‌های جوانان در جنوب شهر بود. این هیئت‌ها با کمک افراد متدین شکل می‌گرفت. جواد با حضور در یکی از این هیئت‌ها، که در محله‌ی «خانی آباد» تشکیل شده بود، تلاش‌های انقلابی خود را به طور جدی آغاز کرد. «جهان پهلوان تختی» هم در این جلسات، شرکت می‌کرد. پس از پایان دوره‌ی دبیرستان در امتحان ورودی چند دانشگاه قبول شد و از آن میان تحصیل در رشته‌ی مهندسی پالایش نفت در دانشکده‌ی نفت آبادان را انتخاب کرد. در دانشکده‌ی نفت آبادان در کنار تحصیل علم، دانشجویان را با حقایق اسلام آشنا و به مبارزه با حکومت شاه تشویق می‌کرد. پس از پایان دانشکده، در دوره‌ی سربازی، به جرم انتشار اعلامیه‌ی رهبر محبوب خود، امام خمینی (ره) که در آن زمان در کشور عراق در تبعید به سر می‌برد، دستگیر شد و به زندان افتاد. در دوره‌ی زندان، هم زمان با تحمل انواع شکنجه به دفاع از اسلام و گسترش مطالعات خویش ادامه داد. هم زمان با نخستین سال‌های آزادی وی از زندان، قیام‌های مردمی برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز شد. مهندس تندگویان، که تحقق همه‌ی امیدها و آرزوهای خود را در پیروزی انقلاب اسلامی می‌دید، همراه با ملت به پا خاسته‌ی ایران به صحنه‌ی مبارزه، قدم گذاشت. شهید تندگویان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیر شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب شد و پس از چندی به عنوان وزیر نفت در دولت جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردید. در شهریور ماه همان سال ۱۳۵۹، نیروهای عراقی به کشور ما حمله کردند و جنگ آغاز شد.

پالایشگاه آبادان و لوله های انتقال) نفت به شدت آسیب دید. تندگویان مرتباً در کنار کارگران و مهندسان و در نزدیکی صحنه های پرخطر جنگ، حضور می یافت. در یکی از همین بازدیدها بود که در تاریخ 1359/8/9 همراه معاونان خویش به اسارت نیروهای دشمن درآمد. همین که متوجه شدند او وزیر نفت است، وی را به بغداد بردند. تندگویان در زندان های بغداد نیز از یاد خدا و تلاوت قرآن غافل نبود؛ زیر شکنجه های بی رحمانه ی دژخیمان حکومت صدام، مانند کوهی استوار ایستادگی و مقاومت کرد. 1359 همراه معاونان خویش به 8/ جنگ، حضور می یافت. در یکی از همین بازدیدها بود که در تاریخ 9 اسارت نیروهای دشمن درآمد. همین که متوجه شدند او وزیر نفت است، وی را به بغداد بردند.

جنگ تحمیلی پس از هشت سال، با فداکاری و دفاع دلیرانه ی مردم ایران پایان یافت و مبادله ی اسیران آغاز شد. اسیران جنگی که در زندان های صدام گرفتار بودند، به میهن بازگشتند و مردم قدرشناس ایران به گرمی از آنان استقبال کردند. این رزمندگان فداکار را به پاس ایثار و استقامتشان نامیدند؛ اما از تندگویان دلاور، خبری نشد. «آزادگان» دولت جمهوری اسلامی ایران برای آزادی مهندس تندگویان، تلاش فراوان کرد و به همه ی مدعیان دروغین حقوق بشر، شکایت نوشت اما تلاش ها بی نتیجه ماند. سرانجام، معلوم شد که این مهندس شجاع، که همه ی وجودش از ایمان به خدا و عشق به اسلام و انقلاب سرشار بود، زیر شکنجه ی ظالمانه ی نیروهای دشمن، غریبان به شهادت رسیده است؛ اما تاریخ شهادت او را کسی نمی داند. آنان که می دانند، خاموش مانده اند. عاقبت، یوسف گم گشته پیدا شد و پیکر پاک او را در آذر ماه سال ۱۳۷۰ پیچیده در پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی ایران به وطن بازگرداندند.

«زندگی نامه ی شهید تندگویان» با کمی کاهش

«دلا دیدی آن عاشقان را؟
جهانی، رهایی در آوازشان بود
و در بند، حتی
قفس، شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود!»

(سید حسن حسینی)

درک و دریافت (صفحه 64 کتاب درسی)

1- به نظر شما، چرا اسیران جنگی در دوران دفاع مقدس، «آزاده یا آزادگان» نامیده شده اند؟ چون آن ها از بند اسارت دشمن آزاد شده اند.

2- در این متن به کدام یک از داستان های قرآنی اشاره شده است؟ ارتباط آن را با این متن، توضیح دهید.
به داستان یوسف پیامبر اشاره دارد. حضرت یوسف که سال ها از پدر و خانه اش دور مانده بود، عاقبت به لطف خداوند پدرش را دید و به زادگاهش بازگشت. شهید تندگویان نیز که سال ها اسیر رژیم بعثی عراق بود، سر انجام پس از شهادت، نیکر پاکش به وطن بازگشت و در خاک میهن جای گرفت.